



بررسی بازتولید تغییرات کارکردهای اجتماعی خانواده از دیدگاه زنان شاغل در آموزش و پرورش شهر ملایر و تأثیر آن بر تاب‌آوری اجتماعی-اقتصادی

سبا شیرمحمدی^۱، حمید بورقانی فراهانی^{۲*}، نرگس مولایی^۱

۱. گروه علوم اجتماعی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران

۲. گروه جامعه‌شناسی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: h_boorghani@iau.ac.ir

چکیده

هدف اصلی پژوهش، بررسی رابطه بین بازتولید تغییرات کارکردهای اجتماعی خانواده و تاب‌آوری اجتماعی-اقتصادی زنان شاغل در آموزش و پرورش شهر ملایر است تا الگویی مفهومی از چگونگی بازتولید نقش‌های خانوادگی در شرایط مدرن و تأثیر آن بر تاب‌آوری ارائه شود. پژوهش حاضر با رویکرد آمیخته (کمی-کیفی) انجام شد. در بخش کیفی، داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۳۰ زن فرهنگی گردآوری و با استفاده از روش تحلیل مضمون براون و کلارک در نرم‌افزار Atlas.ti ۹ تحلیل شد. در بخش کمی، پرسشنامه ۵۳ گویه‌ای میان ۳۰۲ نفر از زنان شاغل آموزش و پرورش شهر ملایر توزیع گردید و داده‌ها با نرم‌افزار SPSS ۲۸ تحلیل شد. پایایی ابزار با آلفای کرونباخ بالاتر از ۰.۸ و روایی صوری و محتوایی با شاخص CVR لاوشه تأیید گردید. نتایج نشان داد میان بازتولید کارکردهای اجتماعی خانواده و تاب‌آوری اقتصادی-اجتماعی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد ($p < 0.01$). تحلیل رگرسیون چندمتغیره بیانگر آن بود که پنج عامل حمایت اجتماعی ($\beta = 0.43$)، امنیت مالی و رضایت شغلی ($\beta = 0.32$)، انعطاف‌پذیری و مقاومت ($\beta = 0.25$)، تعادل نقشی و مشارکت اجتماعی ($\beta = 0.23$) و مدیریت مالی و برنامه‌ریزی ($\beta = 0.18$) بیشترین اثر را بر تاب‌آوری زنان دارند، در حالی که تأثیرات اقتصادی بر روابط و چالش‌های فرهنگی از لحاظ آماری معنادار نبودند. ضریب تعیین تعدیل شده ($\text{Adjusted } R^2 = 0.40$) نشان‌دهنده قدرت تبیین نسبتاً بالای مدل بود. همچنین، میانگین تاب‌آوری اقتصادی (۲.۷) اندکی بالاتر از تاب‌آوری اجتماعی (۲.۵) گزارش شد، که حاکی از غلبه بُعد اقتصادی در سازگاری زنان است. نتایج حاکی از آن است که خانواده در میان زنان شاغل فرهنگی شهر ملایر در حال بازتولید کارکردهای اجتماعی خود در بستر مدرن است. این بازتولید در قالب سه فرایند فردیت‌سازی، بازاندیشی نقش‌های جنسیتی و برون‌سپاری کارکردها تحقق یافته و منجر به افزایش تاب‌آوری اقتصادی و حفظ نسبی انسجام اجتماعی خانواده‌ها شده است. یافته‌ها تأکید می‌کند که زنان فرهنگی با بهره‌گیری از استقلال مالی، حمایت اجتماعی و شبکه‌های جدید ارتباطی، الگوی سازگار و مقاومی از خانواده را بازآفرینی کرده‌اند که همسو با تحولات اجتماعی و اقتصادی معاصر است.

کلیدواژه‌گان: بازتولید، کارکردهای اجتماعی خانواده، تاب‌آوری اقتصادی-اجتماعی، زنان شاغل، آموزش و پرورش، ملایر.

تاریخ ارسال: ۵ تیر ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۱۸ آبان ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۲۵ آبان ۱۴۰۴

تاریخ چاپ اولیه: ۲۹ آذر ۱۴۰۴

تاریخ چاپ نهایی: ۱ مهر ۱۴۰۵



How to cite: Shirmohammadi, S., Boorghani Farahani, H., & Molaei, N. (2026). Reproduction of Changes in the Social Functions of the Family from the Perspective of Working Women in the Education Sector of Malayer and Its Impact on Socio-Economic Resilience. *Training, Education, and Sustainable Development*, 4(3), 1-18.



© 2026 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Reproduction of Changes in the Social Functions of the Family from the Perspective of Working Women in the Education Sector of Malayer and Its Impact on Socio-Economic Resilience

Saba Shirmohammadi¹, Hamid Boorghani Farahani^{2*}, Narges Molaei¹

1. Department of Social Sciences, Ar.C., Islamic Azad University, Arak, Iran

2. Department of Sociology, Ar.C., Islamic Azad University, Arak, Iran

*Corresponding Author's Email: h_boorghani@iau.ac.ir

Abstract

The study aimed to examine the relationship between the reproduction of changes in family social functions and the socio-economic resilience of working women in the education sector of Malayer, seeking to present a conceptual model of adaptive family functioning in modern conditions. This mixed-method study consisted of two phases. In the qualitative phase, semi-structured interviews were conducted with 30 female educators and analyzed using thematic analysis (Braun & Clarke) in Atlas.ti 9. In the quantitative phase, a 53-item questionnaire was administered to 302 female employees in Malayer's education sector. Data were analyzed with SPSS 28 using Spearman correlation and multiple regression tests. Reliability ($\alpha > 0.8$) and validity (CVR > 0.79) confirmed the instrument's adequacy. Findings revealed a significant positive correlation between family function reproduction and socio-economic resilience ($p < 0.01$). The multiple regression analysis indicated that social support ($\beta = 0.43$), financial security and job satisfaction ($\beta = 0.32$), flexibility ($\beta = 0.25$), role balance and social participation ($\beta = 0.23$), and financial management ($\beta = 0.18$) were the strongest predictors, explaining 40% of the variance (Adjusted $R^2 = 0.40$). Economic resilience ($M = 2.7$) was higher than social resilience ($M = 2.5$), suggesting stronger adaptation in financial aspects than in social cohesion. The results suggest that families of female educators in Malayer are not declining but dynamically reproducing their social functions amid modernization. Through individualization, gender role redefinition, and functional outsourcing, women sustain both economic stability and partial emotional coherence. The study concludes that socio-economic resilience among working women emerges from the interplay of financial independence, social support, and adaptive role management, representing a balanced coexistence of traditional and modern family values.

Keywords: *Reproduction, Family Social Functions, Socio-Economic Resilience, Working Women, Education Sector, Malayer.*

Submit Date: 26 June 2025

Revise Date: 09 November 2025

Accept Date: 16 November 2025

Initial Publish: 20 December 2025

Final Publish: 23 September 2026

نهاد خانواده، یکی از بنیادی‌ترین ارکان نظام اجتماعی در تمام جوامع بشری است که نه تنها وظیفه بازتولید نسل را بر عهده دارد، بلکه کارکردهایی همچون جامعه‌پذیری، حمایت عاطفی، انتقال ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی را نیز ایفا می‌کند (Sarukhani, 2019). در طول تاریخ، خانواده همواره عامل تداوم فرهنگی، اخلاقی و اجتماعی جوامع بوده و به عنوان کانون اصلی ثبات اجتماعی و رشد فردی شناخته شده است (Bernards, 2017). با این حال، در قرن بیست و یکم، در نتیجه تحولات ساختاری ناشی از مدرنیته، صنعتی‌شدن، جهانی‌سازی و فناوری‌های ارتباطی، کارکردهای سنتی خانواده دستخوش تغییراتی عمیق شده‌اند (Roche, 2016). این تغییرات، از یک سو، امکان بازتعریف نقش‌ها و مسئولیت‌های خانوادگی را فراهم کرده و از سوی دیگر، چالش‌هایی تازه برای انسجام اجتماعی و اقتصادی خانواده‌ها ایجاد کرده‌اند (Popenoe, 2020).

در ایران نیز، همانند بسیاری از جوامع در حال گذار، خانواده از الگوی گسترده به خانواده هسته‌ای تغییر یافته و در معرض دگرگونی‌های فرهنگی، ارزشی و جنسیتی قرار گرفته است (Azad Armaki, 2007). رشد تحصیلات زنان، افزایش اشتغال آنان در حوزه‌های آموزشی و خدماتی و گسترش ارزش‌های فردگرایانه، زمینه‌ساز تحولی در ساختار قدرت و تقسیم نقش‌ها در خانواده ایرانی شده است (Mahdizadeh, 2023). زنان شاغل امروزی به‌ویژه در آموزش و پرورش، میان دو عرصه عمومی و خصوصی در نوسان‌اند و تلاش می‌کنند میان مسئولیت‌های شغلی و خانوادگی خود تعادل برقرار سازند (Ahmadi, 2024). این وضعیت سبب شده است تا بازتولید کارکردهای اجتماعی خانواده در قالب الگوهای جدیدی از تعامل، تصمیم‌گیری و تاب‌آوری اجتماعی-اقتصادی معنا یابد.

به تعبیر گیدنز، مدرنیته فرآیندی بازاندیشانه است که در آن روابط اجتماعی بر پایه انتخاب و اعتماد بازتعریف می‌شوند (Giddens, 2021). خانواده در چنین شرایطی، دیگر یک نهاد بسته و سنتی نیست، بلکه به شبکه‌ای از روابط سیال و متغیر تبدیل شده است که اعضا در آن با بهره‌گیری از آگاهی اجتماعی و استقلال اقتصادی، نقش‌ها را بازتولید می‌کنند. در جامعه ایران، این بازتولید به‌ویژه در میان زنان فرهنگی قابل مشاهده است، چراکه آنان ضمن ایفای نقش مادری و همسری، در مقام معلم و الگوی تربیتی نیز در ساخت اجتماعی مشارکت دارند (Malek, 2025).

از منظر نظریه کارکردگرایی، هر جامعه برای بقا نیازمند نظامی هماهنگ از نقش‌ها و ارزش‌هاست که خانواده در رأس آن قرار دارد (Tosli, 2011). پارسونز کارکردهای خانواده را در دو بعد اصلی یعنی «اجتماعی‌سازی اولیه» و «ثبات شخصیت بزرگسالان» می‌داند؛ اما با افزایش پیچیدگی اجتماعی، بخشی از این کارکردها به نهادهای دیگر منتقل شده‌اند (Ritzer & Goodman, 2014). این انتقال به‌جای زوال، نشانه سازگاری خانواده با شرایط نوین است. در همین راستا، نظریه بازتولید اجتماعی بوردیو بر نقش خانواده و آموزش در بازتولید ارزش‌های طبقاتی و فرهنگی تأکید دارد (Bourdieu, 2023). خانواده، با وجود تغییر ساختارها، همچنان میدان اصلی بازتولید فرهنگی و اجتماعی است که در آن ارزش‌ها از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند.

تغییر نقش‌های جنسیتی نیز از دیگر ابعاد تحول خانواده در دنیای معاصر است. گورلاتیک در پژوهش خود بر این نکته تأکید می‌کند که انتظارات از زنان و مردان در خانواده مدرن به شدت دگرگون شده است؛ زنان در کنار ایفای نقش‌های عاطفی، به صورت فزاینده‌ای در عرصه‌های اقتصادی و مدیریتی خانواده فعال‌اند (Gorlatykh, 2025). چنین دگرگونی‌هایی، اگرچه منجر به افزایش استقلال و خودکارآمدی زنان شده، اما تعارضات تازه‌ای را در رابطه میان کار و زندگی خانوادگی به وجود آورده است (Mahdizadeh, 2023). در همین راستا، نتایج پژوهش‌های داخلی نشان می‌دهد زنان شاغل فرهنگی، ضمن حفظ نقش‌های سنتی، به بازتعریف کارکردهای خانوادگی پرداخته و نوعی «فردیت جمعی» مبتنی بر مسئولیت‌پذیری دوگانه را شکل داده‌اند (Ahmadi, 2024).

مطالعات بین‌المللی نیز تأیید می‌کنند که تحولات اجتماعی در جوامع پست‌مدرن موجب دگرگونی کارکردهای خانواده شده است. پژوهش تورس و والجو نشان داد که در بافت پست‌مدرن، افزایش فردگرایی، کاهش فرزندآوری و جابجایی نقش‌های سنتی، انسجام خانواده را کاهش

داده است (Torres et al., 2021). با این حال، خانواده‌ها برای حفظ پایداری خود به بازتعریف روابط و تقسیم کار درونی پرداخته‌اند. مویا نیز تاب‌آوری اجتماعی را فرایندی چندسطحی می‌داند که از طریق یادگیری جمعی و سرمایه اجتماعی شکل می‌گیرد (Moya, 2021). بر این اساس، تاب‌آوری خانواده‌ها در عصر مدرن به توانایی آن‌ها در بازسازماندهی کارکردها و تعامل با محیط اجتماعی وابسته است.

در ایران نیز روندی مشابه در جریان است. جنادله در تحلیل داده‌های ملی نشان داد که خانواده ایرانی از الگوی سنتی مبتنی بر اطاعت و سلسله‌مراتب، به سمت الگویی منعطف‌تر و گفت‌وگومحور حرکت کرده است (Jenadaleh, 2017). اعزازی نیز با تأکید بر دیالکتیک سنت و مدرنیته، معتقد است که خانواده ایرانی در معرض فشارهای فرهنگی و اقتصادی ناگزیر از بازتعریف نقش‌هاست (Aazazi, 2022). در این بستر، زنان فرهنگی به‌عنوان حاملان دانش و ارزش‌های نوین، نقشی اساسی در تداوم و انطباق خانواده با شرایط جدید دارند.

از منظر جامعه‌شناسی انتقادی، خانواده نه صرفاً عرصه‌ای عاطفی بلکه میدانی اجتماعی است که در آن قدرت، جنسیت و سرمایه فرهنگی بازتولید می‌شود (Bourdieu, 2023). اشتغال زنان در آموزش و پرورش، اگرچه فرصتی برای استقلال مالی و منزلت اجتماعی فراهم می‌کند، اما در عین حال فشار نقش‌های چندگانه را افزایش می‌دهد (Lokenga et al., 2023). مطالعات داخلی و خارجی تأکید دارند که این زنان برای مقابله با تنش‌های میان کار و زندگی، نیازمند سازوکارهایی از جنس تاب‌آوری اجتماعی و اقتصادی‌اند (Azizah & Salam, 2021). درواقع، تاب‌آوری به‌عنوان توانایی انطباق مثبت در شرایط فشار و بحران، به زنان امکان می‌دهد تا ضمن حفظ تعادل روانی و خانوادگی، نقش‌های چندگانه خود را مدیریت کنند (Shaw et al., 2005).

از دیدگاه جامعه‌شناسی تاب‌آوری، خانواده زمانی می‌تواند پایدار بماند که اعضای آن قادر به بازتعریف روابط و نقش‌ها در شرایط متغیر باشند (Olson et al., 2003). تاب‌آوری اجتماعی-اقتصادی مفهومی ترکیبی است که به توانایی خانواده در حفظ انسجام اجتماعی و پایداری مالی در مواجهه با بحران‌ها اشاره دارد (Pourehsan & Jalaei, 2022). در شرایط کنونی ایران که با فشارهای اقتصادی، تورم، تغییرات فرهنگی و شکاف نسلی مواجه است، تاب‌آوری خانواده‌های زنان شاغل فرهنگی از اهمیت مضاعفی برخوردار است. پژوهش‌های بومی نشان داده‌اند که حمایت اجتماعی و استقلال مالی زنان، دو عامل کلیدی در تقویت تاب‌آوری خانواده به شمار می‌روند (Malek Mohammad, 2025).

در همین راستا، نظریه بازتولید اجتماعی بوردیو کمک می‌کند تا فهمی عمیق‌تر از نحوه استمرار و تغییر در کارکردهای خانواده حاصل شود. خانواده، به‌عنوان نهادی فرهنگی، ارزش‌ها و عادات اجتماعی را به نسل‌های جدید منتقل می‌کند، اما در عین حال، می‌تواند در برابر تحولات نیز بازسازی شود (Bourdieu, 2023). پژوهش گاریدو و همکاران نیز نشان داد که تاب‌آوری به‌ویژه در میان معلمان، فرآیندی پویا و چندعاملی است که از تعامل میان حمایت سازمانی، مدیریت هیجانات و روابط حرفه‌ای شکل می‌گیرد (Garrido et al., 2025). این نتیجه با نقش زنان فرهنگی در ایران همخوان است؛ زیرا آن‌ها ضمن ایفای نقش آموزشی، الگویی از تاب‌آوری اجتماعی را در خانواده بازتاب می‌دهند.

ابعاد فرهنگی و دینی خانواده نیز در این زمینه بی‌تأثیر نیست. آلتینتاش در پژوهش خود بر خانواده‌های آشوری ترکیه نشان داد که آموزش دینی و روابط درون‌خانوادگی، به‌ویژه در جوامع سنتی، عامل مهمی در حفظ انسجام و بازتولید اخلاقی خانواده‌هاست (Altıntaş, 2025). همچنین بلاهواوی در تحلیل خود از رفتار مالی خانواده‌ها، تأکید کرد که پایبندی به هنجارهای اجتماعی و دینی، نقش مهمی در تعهد اقتصادی و ثبات اجتماعی خانواده‌ها دارد (Belahouaoui, 2024). این یافته‌ها می‌توانند برای تحلیل تاب‌آوری خانواده‌های ایرانی نیز راهگشا باشند، زیرا در ایران پیوند میان ارزش‌های دینی، اقتصاد خانوادگی و حمایت اجتماعی هنوز جایگاه پررنگی دارد.

از سوی دیگر، پژوهش‌های بین‌فرهنگی به چالش‌های نظری و روش‌شناختی در مطالعه خانواده اشاره کرده‌اند. اسلامی و هوشمندی بر این باورند که فهم خانواده در بافت‌های فرهنگی متفاوت نیازمند چارچوب‌های تحلیلی حساس به زمینه است (Eslami & Hooshmandi, 2024). این حساسیت در جوامعی چون ایران که سنت و مدرنیته هم‌زمان در حال تعامل و تعارض‌اند، اهمیت ویژه‌ای دارد. همچنین، پژوهش دامیدو-کاستون بر ضرورت توجه به رشد هیجانی و تاب‌آوری در نظام‌های آموزشی تأکید کرده است (D'Emidio-Caston, 2019)، موضوعی که می‌تواند در تحلیل نقش زنان معلم در بازتولید کارکردهای خانواده مورد استفاده قرار گیرد.

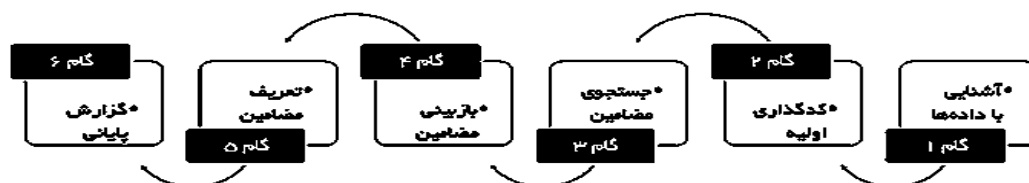
بر پایه یافته‌های پژوهش‌های بین‌المللی، تاب‌آوری اجتماعی و اقتصادی در خانواده‌ها نه صرفاً نتیجه منابع مالی، بلکه محصول شبکه‌های حمایتی، همبستگی اجتماعی و سازوکارهای فرهنگی است (Moya, 2021; Olson et al., 2003). در این میان، خانواده‌های زنان شاغل فرهنگی با تکیه بر استقلال مالی، مهارت‌های ارتباطی، و حمایت نهادی از سوی نظام آموزشی، قادرند الگویی از خانواده مقاوم و تطبیق‌پذیر ارائه دهند (Garrido et al., 2025). چنین خانواده‌ای می‌تواند ضمن حفظ پیوندهای عاطفی، در برابر فشارهای اقتصادی و تغییرات فرهنگی پایدار بماند.

از دیدگاه بوردیو، این فرایند نوعی بازتولید خلاق است؛ زیرا خانواده، در عین تداوم ارزش‌های سنتی، ساختارهای جدیدی را برای بقای خود خلق می‌کند (Bourdieu, 2023). در این معنا، بازتولید کارکردهای اجتماعی خانواده نه به معنای تکرار گذشته، بلکه سازگاری پویا با شرایط جدید است. پژوهش آریزه در اندونزی نیز نشان داد که اشتغال مادران به‌صورت معناداری تاب‌آوری اقتصادی خانواده را افزایش می‌دهد (Azizah & Salam, 2021). این یافته، اهمیت نقش زنان شاغل در حفظ ثبات خانوار را در شرایط بحران اقتصادی برجسته می‌کند؛ مشابه وضعیتی که در ایران نیز مشاهده می‌شود.

در مجموع، مرور ادبیات نظری و تجربی نشان می‌دهد که تحولات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی اخیر، کارکردهای سنتی خانواده را دگرگون کرده و زمینه‌ساز شکل‌گیری الگوهای نوین خانواده‌های مشارکتی شده است. این خانواده‌ها با ترکیب استقلال فردی، تعامل اجتماعی و پشتیبانی عاطفی، توانسته‌اند تاب‌آوری اقتصادی و اجتماعی خود را ارتقا دهند (Moya, 2021; Torres et al., 2021). بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف بررسی بازتولید تغییرات کارکردهای اجتماعی خانواده از دیدگاه زنان شاغل در آموزش و پرورش شهر ملایر و تأثیر آن بر تاب‌آوری اجتماعی-اقتصادی انجام شده است.

روش‌شناسی

این پژوهش با رویکرد آمیخته (کیفی-کمی) و استراتژی پس‌کاوی طراحی شده است. رویکرد آمیخته، با ترکیب داده‌های کیفی و کمی، امکان درک عمیق‌تر تجربه‌های زیسته و تحلیل آماری دقیق روابط را فراهم می‌کند (کرسول، ۲۰۰۳: ۱۴۳). در مرحله کیفی، با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند نظری (گلنزر و اشتراوس، ۱۹۶۷)، ۳۰ زن شاغل فرهنگی با معیارهای ورود (شاغل رسمی، حداقل ۵ سال سابقه، متأهل) انتخاب شدند. مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۲۰ پرسش محوری، طی آبان تا آذر ۱۴۰۳ (میانگین ۴۵ دقیقه)، انجام و با روش تحلیل مضمون براون و کلارک (۲۰۰۶) در نرم‌افزار Atlas.ti 9 تحلیل شدند. این فرآیند شامل کدگذاری باز، محوری و استخراج مضامین اصلی بود تا الگوهای تغییرات کارکردهای خانوادگی (مانند فردیت‌سازی و برون‌سپاری) شناسایی شود. در مرحله کمی، جامعه آماری شامل ۱۴۰۳ زن شاغل در ۱۱۰ مدرسه دخترانه ملایر (۵۰ ابتدایی، ۳۵ متوسطه اول، ۲۵ متوسطه دوم) در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ بود. نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای (کرسول ۲۰۰۳: ۲۵۱)، با تقسیم شهر به ۵ منطقه جغرافیایی و انتخاب تصادفی ۲۰-۲۵ مدرسه انجام شد. حجم نمونه با فرمول کوکران (سطح اطمینان ۹۵٪، خطای ۵٪) و هم‌سویی با جدول مورگان (۱۹۷۰) ۳۰۲ نفر محاسبه شد. پرسشنامه ۵۳ گویه‌ای، شامل مقیاس استاندارد تاب‌آوری کانر و دیویدسون (۲۰۰۳) (۲۵ گویه) و مقیاس بومی‌شده تاب‌آوری اقتصادی-روانی پورااحسان و جلالی (۱۳۹۹) (۲۴ گویه)، به‌صورت آنلاین توزیع شد. پیش‌آزمون با ۳۰ نفر برای اعتبارسنجی انجام شد. روایی کیفی با معیارهای لینکن و گوبا (۱۹۸۵) شامل اعتبار درونی (عضوسنجی، مثلث‌سازی داده‌ای)، انتقال‌پذیری (توصیف ضخیم)، قابلیت اتکا (مستندسازی دقیق) و تأییدپذیری (یادداشت‌های تأملی) تأیید شد. ضریب توافق کاپا (۰.۷۵) نشان‌دهنده توافق بالای کدگذاری بود. روایی کمی با شاخص CVR لاوشه (۱۹۷۵) ($0.79 < 0.79$)، ارزیابی ۷ خبره و پایایی با آلفای کرونباخ (تاب‌آوری اقتصادی: ۰.۸۷، اجتماعی: ۰.۸۲) سنجیده شد. تحلیل داده‌های کیفی با Atlas.ti 9 و داده‌های کمی با SPSS28 (آزمون‌های رگرسیون چندگانه و همبستگی اسپیرمن) انجام شد.



شکل ۱. گام‌های روش تحلیل مضمون

یافته‌ها

در این پژوهش کدگذاری در سه مرحله (باز: ۶۲ کد، محوری، مضامین اصلی) انجام گرفت.

جدول ۱. معرفی کدها و مضامین کیفی پژوهش

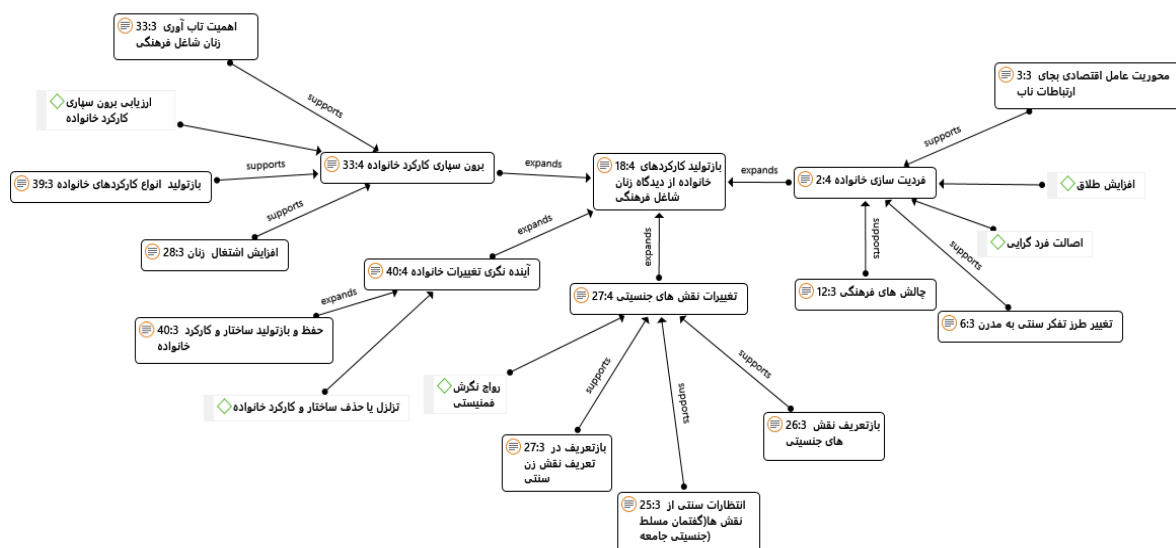
ردیف	مضمون اصلی	کدهای محوری	نظریه مرتبط	های	مفاهیم مطالعاتی مرتبط	سوالات مصاحبه	فرضیه پژوهش	
۱	تربیت‌ساز خانواده	اصالت فرد گرایی	گیدنز (رابطه ناب)-	تغییر سبک زندگی-رواج اندیشه فردیت- اصالت کشف معنا در فردیت-فردگرایی خودخواهانه-تهی بودگی- جریان پیوسته گردش و عقاید- انقلابات فکری-دگرگونی ارزش ها-ازدیاد فرصت ها برای فرد- عرضه انبوه منابع اطلاعاتی - کاهش حضور فیزیکی اعضای خانواده در خانه- وجود فضای آنومی در شرایط اجتماعی-تأثیر اشتغال زنان-آسیب فضای مجازی در بنیان خانواده-باز اندیشی در ارتباطات اجتماعی-تهاجم فرهنگی - وجود جریان مادی گرایی و سکولاریسم - انتشار سریع اندیشه هاجهانی- نقض در کارکرد تامین نیاز عاطفی و جنسی خانواده خیانت زناشویی- تاب آوری پایین زوجین - کم رنگ شدن باورهای مذهبی-کاهش الزام در ایستارهای اعتقادی	۱۰ تا ۱۱	فرضیه اول		
۲		بازاندیشی نقش‌های ایرانی و ایرانیان	بازتعریف نقش های جنسیتی	پارسونز (۱۹۵۱) فمینیست (فریدان، باتلر) گیدنز (بازاندیشی مدرنیته)	تغییر در انتظارات اجتماعی- تساوی حقوق زن و مرد- فرو دستی غالب نقش های جنسیتی زنانه - نقش های برساخته جامعه- ساختار سازمان دهی شده- نظم هنجاری-افزایش تجارب زیسته زنان شاغل و تحصیل کرده- پست های مدیریتی -تغییر وظایف- همسویی با تغییرات جهانی خانواده- کاهش بعد خانوار- تغییر مطلوبیات-خواسته های مرد ستیز- کاهش اهمیت فرزندآوری- تلاش برای نظم‌دهی به کار و زندگی شخصی- تبدیل نظام معنایی به نظام بازاندیشانه	۱۳ تا ۱۴	فرضیه دوم	
۳			برون‌سپاری کارکردها	انواع برون سپاری کارکردهای خانواده	پارسونز و مرتن والرشتاین (جهانی) کاستلز (جامعه شبکه‌ای)	حذف کارکردهای سنتی- انتقال کارکردی-شکاف نسلی-وجود منابع مختلف جامعه پذیری- توسعه خدمات مراقبت از سالمندان، بیماران و نیازمندان توسط نهادهای غیردولتی- تغییر نگاه جامعه به خانواده به‌عنوان یک «واحد نیمه‌مستقل» -بازتعریف نقش زن در ساختار اقتصادی خانواده- افزایش مشارکت زنان در سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی مالی- مدیریت تنش های روانی- تغییرات اجتماعی- تغییر سبک زندگی خانوادگی به‌سمت برنامه‌ریزی بیرونی (کلاس، مشاور، معلم خصوصی...	۱۸ تا ۱۹	فرضیه سوم
۴				آینده خانواده	حفظ و بازتولید ساختار و کارکرد خانواده	توجه به تاب آوری اجتماعی-اقتصادی زنان شاغل فرهنگی - دسترسی بیشتر به آموزش‌های حرفه‌ای و حقوقی- توانمندسازی و حمایت	۱۹ و ۲۰	در حمایت

فرضیه	خودآگاهی فرهنگی زنان معلم (مطالعه، مهارت آموزی، شبکه سازی)-	تزلزل در ساختار و کارکرد خانواده
چهارم و پنجم	ارتقاء جایگاه زنان فرهنگی در ساختار مدیریتی- افزایش پذیرش اجتماعی نقش های دوگانه زن (معلم، مادر)- مشارکت بیشتر مردان در مسئولیت های خانوادگی- فرصت برای رشد خانواده مشارکتی- خانواده شبکه محور (وابسته به نهادهای بیرون)- خانواده زن محور (زن در مرکز تصمیم گیری)- نقش دولت در گسترش حمایت های قانونی و توازن کار و زندگی	

پژوهش حاضر به تحلیل داده های مصاحبه ۳۰ مصاحبه شونده از زنان شاغل آموزش و پرورش شهر ملایر پرداخته که به صورت کلی حاصل آن ۲۷۶ کد، شامل ۲۳۴ کد فرعی و ۳۵ کد اصلی و ۷ مضمون نهایی شد. سپس با استفاده از نرم افزار Atlas.ti ۹ و بازخوانی و مذاقه و دسته بندی جدید در کدها مجموع آن به ۶۷ کد که شامل ۴۷ کد فرعی و ۱۶ کد اصلی و ۴ مضمون نهایی؛ تقلیل یافت. این فصل به تشریح کامل داده های کیفی از سطح کدگذاری باز (روایت ها) کدگذاری محوری مفاهیم و کدگذاری انتخابی مقوله ها تا سطح مضامین اصلی و در نهایت مضمون نهایی پرداخته شد که شامل موارد زیر می باشد:

- ۱- فردیت سازی خانواده، شامل ۵ مضمون اصلی و ۱۵ مضمون فرعی؛ کدهای محوری مرتبط شامل ۱- اصالت فرد گرایی ۲- محوریت عامل اقتصادی بجای ارتباطات ناب ۳- تغییر طرز تفکر سنتی به مدرن ۴- افزایش طلاق ۵- چالش های فرهنگی مدرن
- ۲- تغییرات نقش های جنسیتی، شامل ۴ مضمون اصلی و ۱۲ مضمون فرعی؛ شامل ۱- بازتعریف نقش های جنسیتی ۲- انتظارات سنتی از نقش ها (گفتمان مسلط جنسیتی خانوادگی جامعه) ۳- بازتعریف در تعریف نقش زن سنتی ۴- رواج نگرش فمینیستی
- ۳- برون سپاری کارکردهای خانواده، شامل ۵ مضمون اصلی و ۱۵ مضمون فرعی. - ارزیابی برون سپاری کارکرد های خانواده ۲- بازتولید کارکردهای خانواده ۳- افزایش مشارکت اقتصادی زنان ۴- اهمیت تاب آوری زنان شاغل فرهنگی ۵- حمایت از زنان شاغل فرهنگی
- ۴- آینده نگری خانواده شامل ۲ مضمون اصلی و ۵ مضمون فرعی. - حفظ و بازتولید ساختار و کارکرد خانواده ۲- تزلزل در ساختار و کارکرد خانواده

در نهایت مدل نهایی پژوهش هم در بخش یافته های کیفی به دست آمد. نتیجه آنکه در بخش کیفی، بازتولید تغییرات کارکردهای خانواده از نظر زنان شاغل در آموزش و پرورش شهر ملایر بررسی گردید. در بخش کمی پژوهش که مبتنی بر بخش کیفی است و در ادامه می آید، به مسئله لزوم توجه به تاب آوری اجتماعی- اقتصادی افراد مورد مصاحبه پرداخته خواهد شد.



شکل ۲. مدل نهایی یافته های کیفی پژوهش

در بخش کمی، پرسشنامه ۵۳ گویه‌ای (شامل مقیاس کانر و دیویدسون، ۲۰۰۳ و مقیاس بومی پوراحسان و جلائی، ۱۳۹۹) میان ۳۰۲ زن شاغل در ۱۱۰ مدرسه (سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴) توزیع شد. تحلیل با SPSS-۲۸ شامل آزمون‌های توصیفی، فریدمن، اسپیرمن، و رگرسیون چندمتغیره بود. تحلیل عاملی اکتشافی ۷ عامل (امنیت مالی، مدیریت مالی، تأثیرات اقتصادی، حمایت اجتماعی، انعطاف‌پذیری، تعادل نقشی، چالش‌های مدرن) را شناسایی کرد که ۸۰٪ واریانس را تبیین کردند ($KMO=0.84$ ، بارتلت $p<0.001$). آزمون فریدمن تفاوت معنادار گویه‌ها را نشان داد ($p<0.001$). آزمون اسپیرمن همبستگی معنادار بین مضامین کیفی و مؤلفه‌های تاب‌آوری را تأیید کرد ($p<0.001$)، با قوی‌ترین رابطه بین حمایت اجتماعی و امنیت مالی $=0.45$.

نتایج به‌دست‌آمده از آمار توصیفی در جدول زیر نشان می‌دهد که میانگین نمرات تاب‌آوری اقتصادی در بین پاسخ‌دهندگان برابر با ۲.۷ و میانگین تاب‌آوری اجتماعی برابر با ۲.۵ است. این مقادیر، هرچند در نیمه دوم طیف لیکرت قرار دارند، اما هنوز با مقدار ایده‌آل (۵) فاصله معناداری دارند. این وضعیت بیانگر آن است که سطح تاب‌آوری اقتصادی در بین پاسخ‌دهندگان تا حدودی بالاتر از تاب‌آوری اجتماعی ارزیابی شده است.

جدول ۲. نتایج آمار توصیفی

مؤلفه	میانگین کل	انحراف معیار	واریانس	حداقل	حداکثر	چولگی	کشیدگی
تاب‌آوری اقتصادی	۲.۷	۱.۰۶	۱.۱۲	۱	۵	۰.۰۹	-۰.۴۷
تاب‌آوری اجتماعی	۲.۵	۱.۰۶	۱.۱۲	۱	۵	۰.۱۲	-۰.۴۲

با توجه به اینکه گویه‌های پرسشنامه از نوع مقیاس لیکرت پنج‌درجه‌ای بوده و داده‌ها در سطح ترتیبی (Ordinal) قرار دارند، برای بررسی تفاوت بین گویه‌های هر مؤلفه و سنجش میزان هم‌خوانی و ترجیح شرکت‌کنندگان نسبت به هر عبارت، از آزمون غیرپارامتریک فریدمن استفاده شد. این آزمون به ما کمک می‌کند مشخص کنیم که کدام گویه‌ها در هر مؤلفه اهمیت یا تأکید بیشتری از نظر پاسخ‌دهندگان دارند. نتایج آزمون فریدمن در جدول ۲۲ نشان داد که در هر دو مؤلفه تاب‌آوری اقتصادی ($\chi^2=325.450$ ، $df=18$ ، $p<0.001$) و تاب‌آوری اجتماعی ($\chi^2=510.780$ ، $df=29$ ، $p<0.001$) تفاوت معناداری بین رتبه‌بندی گویه‌ها وجود دارد. آماره χ^2 دو بالتر در تاب‌آوری اجتماعی به تعداد بیشتر گویه‌ها (۳۰ در مقابل ۱۹) مربوط است، اما هر دو نتیجه تأیید می‌کنند که گویه‌های هر مؤلفه از نظر اهمیت و پاسخ‌دهی متفاوت‌اند. هر دو مؤلفه به طور معنادار دارای تفاوت درونی بین گویه‌ها بودند.

جدول ۳. نتایج آزمون فریدمن

متغیرها	تعداد گویه	χ^2 (Chi-Square)	df	سطح معناداری Asymp. Sig
تاب‌آوری اقتصادی	۱۹ گویه (سؤالات ۵-۲۳)	۳۲۵.۴۵۰	۱۸	۰.۰۰۰
تاب‌آوری اجتماعی	۳۰ گویه (سؤالات ۲۴-۵۳)	۵۱۰.۷۸۰	۲۹	۰.۰۰۰

در بخش کیفی این پژوهش، مضامین عمیق و بنیادینی درباره بازتولید تغییرات کارکردهای اجتماعی خانواده از دیدگاه زنان شاغل فرهنگی استخراج گردید. در ادامه و در بخش کمی، جهت بررسی فرضیه‌های کمی پژوهش و میزان ارتباط و همخوانی این مضامین با ابعاد مختلف تاب‌آوری (اقتصادی و اجتماعی)، از آزمون همبستگی اسپیرمن بهره گرفته شد. این آزمون به دلیل ماهیت رتبه‌ای داده‌ها و ساختار غیربرخوردار از نرمال بودن، مناسب‌ترین گزینه برای تحلیل روابط بین شاخص‌های استخراج‌شده از تحلیل کیفی و مؤلفه‌های کمی تاب‌آوری تشخیص داده شد.

جدول ۳. نتایج آزمون همبستگی اسپیرمن

عامل	امنیت مالی و رضایت شغلی	مدیریت مالی و برنامه‌ریزی	تأثیرات اقتصادی بر روابط	حمایت اجتماعی	انعطاف‌پذیری و مقاومت	تعادل نقشی و مشارکت اجتماعی	چالش‌ها مدرن و فرهنگی
امنیت مالی و رضایت شغلی	۱.۰۰۰	۰.۴۵۰***	۰.۳۰۰***	۰.۲۵۰***	۰.۲۰۰***	۰.۱۸۰***	۰.۱۵۰***
مدیریت مالی و برنامه‌ریزی	۰.۴۵۰***	۱.۰۰۰	۰.۲۵۰***	۰.۲۰۰***	۰.۱۸۰***	۰.۱۶۰***	۰.۱۳۰***
تأثیرات اقتصادی بر روابط	۰.۳۰۰***	۰.۲۵۰***	۱.۰۰۰	۰.۱۵۰***	۰.۱۲۰***	۰.۱۰۰***	۰.۰۸۰***
حمایت اجتماعی	۰.۲۵۰***	۰.۲۰۰***	۰.۱۵۰***	۱.۰۰۰	۰.۴۰۰***	۰.۳۵۰***	۰.۲۰۰***
انعطاف‌پذیری و مقاومت	۰.۲۰۰***	۰.۱۸۰***	۰.۱۲۰***	۰.۴۰۰***	۱.۰۰۰	۰.۳۰۰***	۰.۱۸۰***
تعادل نقشی و مشارکت اجتماعی	۰.۱۸۰***	۰.۱۶۰***	۰.۱۰۰***	۰.۳۵۰***	۰.۳۰۰***	۱.۰۰۰	۰.۱۵۰***
چالش‌ها مدرن و فرهنگی	۰.۱۵۰***	۰.۱۳۰***	۰.۰۸۰***	۰.۲۰۰***	۰.۱۸۰***	۰.۱۵۰***	۱.۰۰۰

نتایج آزمون نشان داد که تمامی روابط بین متغیرها دارای سطح معناداری کمتر از ۰.۰۱ بودند که بیانگر وجود همبستگی مثبت و معنادار میان مؤلفه‌ها است.

از جمله روابط معنادار، همبستگی بین مؤلفه‌های «امنیت مالی و رضایت شغلی» با «مدیریت مالی و برنامه‌ریزی»، «تأثیرات اقتصادی بر روابط»، «حمایت اجتماعی»، و «انعطاف‌پذیری» مشاهده شد. همچنین، مؤلفه «مدیریت مالی» با «حمایت اجتماعی» و «تعادل نقشی و مشارکت اجتماعی» نیز رابطه معناداری داشت. در بخش تاب‌آوری اجتماعی، روابط بین مؤلفه‌های «حمایت اجتماعی»، «انعطاف‌پذیری»، و «تعادل نقشی و مشارکت اجتماعی» با سایر مؤلفه‌ها از جمله «چالش‌های فرهنگی و مدرن» نیز همبستگی معناداری را نشان دادند. به‌طور کلی، نتایج آزمون اسپیرمن وجود همبستگی مثبت و معنادار بین تمامی متغیرهای بررسی‌شده را تأیید می‌کند ($\text{Sig.} < 0.01$) و بیانگر آن است که مؤلفه‌های اقتصادی و اجتماعی در تعامل با یکدیگر قرار دارند.

نتایج این آزمون نشان داد که مؤلفه‌های مختلف تاب‌آوری اقتصادی و اجتماعی با یکدیگر رابطه معناداری دارند و این روابط به‌صورت خوشه‌ای قابل تبیین‌اند. به‌طور خاص:

- حمایت اجتماعی، تعادل نقشی، و امنیت مالی به‌عنوان مؤلفه‌های میانی و پیونددهنده بین اقتصاد و اجتماع عمل می‌کنند.
- پیوند مؤلفه‌های اقتصادی با مؤلفه‌های اجتماعی، نشان‌دهنده ارتباط ساختاری یافته‌های کیفی با کمی است.
- از منظر روش تحقیق آمیخته، نتایج آزمون اسپیرمن تأییدی بر همپوشانی و هم‌راستایی داده‌های دو بخش پژوهش محسوب می‌شود.
- با توجه به سطح معناداری کمتر از ۰.۰۱ و ضریب همبستگی مثبت بین مؤلفه‌های بازتولید تغییرات اجتماعی و تاب‌آوری اقتصادی، فرضیه اول و دوم پژوهش تأیید شد.

به‌منظور بررسی تأثیر مؤلفه‌های مختلف بر متغیر وابسته، تحلیل رگرسیون چندمتغیره به روش Enter اجرا شد. مطابق با جدول شماره ۴، مقدار ضریب تعیین تعدیل‌شده ($\text{Adjusted } R^2$) برابر با ۰.۴۰ به دست آمد. این عدد نشان‌دهنده آن است که ۴۰ درصد از واریانس متغیر وابسته توسط ترکیب متغیرهای مستقل موجود در مدل قابل تبیین می‌باشد. همچنین، آزمون F نشان‌دهنده معناداری کل مدل رگرسیون است. ($F(7,294)=28.571, p<0.001$)

بررسی ضرایب استاندارد شده (Beta) و سطح معناداری (p) برای هریک از متغیرهای مستقل نشان داد که متغیرهای زیر در مدل دارای تأثیر معنادار آماری هستند:

• حمایت اجتماعی ($\beta = 0.430, p = 0.000$)

• امنیت مالی و رضایت شغلی ($\beta = 0.320, p = 0.000$)

• انعطاف‌پذیری و مقاومت ($\beta = 0.245, p = 0.000$)

• تعادل نقشی و مشارکت اجتماعی ($\beta = 0.225, p = 0.002$)

• مدیریت مالی و برنامه‌ریزی ($\beta = 0.175, p = 0.007$)

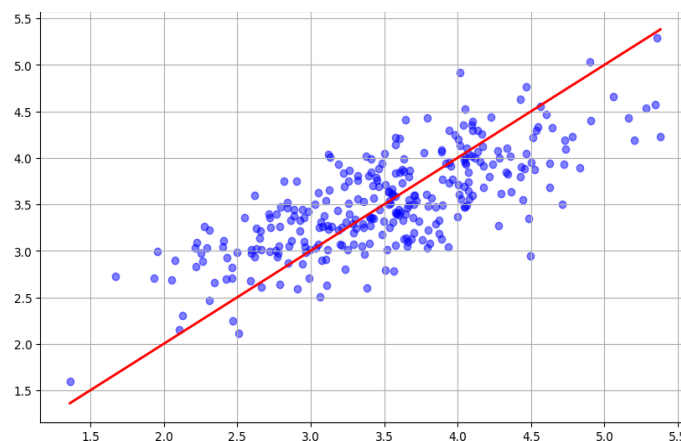
در مقابل، دو متغیر تأثیرات اقتصادی بر روابط ($p = 0.110$) و چالش‌های مدرن و فرهنگی ($p = 0.352$) از لحاظ آماری معنادار گزارش نشدند و در این مدل نقش معناداری در پیش‌بینی متغیر وابسته ایفا نکردند.

نتایج آزمون رگرسیون چندگانه نشان داد که مؤلفه‌های بازتولید تغییرات اجتماعی، توانایی پیش‌بینی معناداری برای متغیر تاب‌آوری اجتماعی دارند ($\text{Adjusted } R^2 = 0.40, p < 0.001$). بنابراین، فرضیه چهارم و پنجم پژوهش نیز تأیید شد.

جدول ۴. نتایج آزمون رگرسیون

مدل	R	R Square	Adjusted R Square	خطای استاندارد	آماره‌های تغییر	F Change	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲
۱	.۶۳۲	.۳۹۹	.۴۰۰	.۴۵۰	Square Change	۲۸.۵۷۱	۷	۲۹۴

نمودار زیر پراکندگی با خط رگرسیون، رابطه بین مقادیر واقعی تاب‌آوری کلی (Resilience_Total) و مقادیر پیش‌بینی‌شده توسط مدل رگرسیون چندمتغیره را نشان می‌دهد. محور افقی (X) مقادیر واقعی تاب‌آوری کلی را و محور عمودی (Y) مقادیر پیش‌بینی‌شده توسط مدل را نمایش می‌دهد. نقاط آبی پراکنده‌شده، داده‌های مشاهده‌شده را نمایان می‌کنند، در حالی که خط قرمز نشان‌دهنده خط رگرسیون است که بهترین برازش خطی را بر اساس ضرایب رگرسیون: (شامل ثابت ۰.۵۵۰ و ضرایب متغیرهای مستقل: امنیت مالی و رضایت شغلی = ۰.۲۸۰، مدیریت مالی و برنامه‌ریزی = ۰.۱۵۰، تأثیرات اقتصادی بر روابط = ۰.۱۲۰، حمایت اجتماعی = ۰.۳۸۰، انعطاف‌پذیری و مقاومت = ۰.۲۲۰، تعادل نقشی و مشارکت اجتماعی = ۰.۲۰۰، و چالش‌های مدرن و فرهنگی = ۰.۰۷۰) ارائه می‌دهد.



شکل ۳. نمودار مدل رگرسیونی

پراکندگی نقاط حول خط رگرسیون نشان‌دهنده میزان تناسب مدل با داده‌هاست. نزدیکی بیشتر نقاط به خط قرمز، برازش بهتر مدل را تأیید می‌کند. با توجه به اینکه $\text{Adjusted } R^2$ مدل ۰.۴۰۰ است، حدود ۴۰٪ تغییرات تاب‌آوری کلی توسط متغیرهای مستقل توضیح داده می‌شود، که با پراکندگی نمودار تأیید می‌کند که مدل رگرسیون چندمتغیره، با تأکید بر متغیرهای معنادار مانند حمایت اجتماعی (با بالاترین ضریب ۰.۳۸۰) و امنیت مالی و رضایت شغلی (۰.۲۸۰)، قادر به پیش‌بینی تاب‌آوری کلی است. با این حال، پراکندگی برخی نقاط از خط رگرسیون

نشان می‌دهد که بخش قابل‌توجهی از تغییرات تاب‌آوری (۶۰٪) توسط متغیرهای دیگر یا نویز توضیح داده می‌شود. این امر ضرورت بررسی عوامل اضافی یا استفاده از مدل‌های غیرخطی را در مطالعات آینده برجسته می‌کند.

جدول ۵. خلاصه نتایج فرضیات

فرضیه	نوع آزمون	نتیجه
بین بازتولید تغییرات کارکردهای اجتماعی خانواده و تاب‌آوری اقتصادی رابطه معنادار وجود دارد.	اسپیرمن و رگرسیون	تأیید شد
بین بازتولید تغییرات کارکردهای اجتماعی خانواده و تاب‌آوری اجتماعی رابطه معنادار وجود دارد.	اسپیرمن و رگرسیون	تأیید شد

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که میان بازتولید کارکردهای اجتماعی خانواده و تاب‌آوری اجتماعی-اقتصادی زنان شاغل در آموزش و پرورش رابطه‌ای مثبت و معنادار وجود دارد. این یافته بیانگر آن است که خانواده‌های زنان شاغل فرهنگی در شهر ملایر، برخلاف دیدگاه‌های سنتی مبنی بر فرسایش نقش‌های خانوادگی، توانسته‌اند با بازتفسیر نقش‌ها و بازسازی روابط درون‌خانوادگی، الگوی جدیدی از پایداری و سازگاری اجتماعی را خلق کنند. این نتیجه، از منظر جامعه‌شناختی، تأییدکننده دیدگاه بوردیو درباره بازتولید اجتماعی است؛ به این معنا که خانواده، حتی در شرایط تغییر ساختارهای فرهنگی و اقتصادی، همچنان به‌عنوان نهاد مرکزی بازتولید ارزش‌ها و انسجام اجتماعی باقی می‌ماند (Bourdieu, 2023). در این مطالعه، کارکردهایی چون حمایت اجتماعی، مدیریت مالی، تعادل نقشی، و مشارکت اجتماعی زنان بیشترین سهم را در تقویت تاب‌آوری خانواده داشتند، که این هم‌راستا با یافته‌های پژوهش‌های بین‌المللی در زمینه نقش چندگانه زنان در توسعه تاب‌آوری خانوادگی است (Azizah & Salam, 2021; Gorlatykh, 2025).

بر اساس نتایج، حمایت اجتماعی و امنیت مالی دو متغیر کلیدی در پیش‌بینی تاب‌آوری زنان فرهنگی بودند. این امر با نظریه «الگوی تاب‌آوری خانواده» اولسون که بر اهمیت حمایت متقابل و سازگاری شناختی تأکید دارد همخوان است (Olson et al., 2003). زنان فرهنگی با بهره‌گیری از حمایت همسران، همکاران و شبکه‌های اجتماعی خود، در برابر فشارهای اقتصادی و اجتماعی واکنش‌های سازگارانه نشان داده‌اند. این وضعیت در مطالعاتی مانند پژوهش مالک‌محمد درباره زنان شاغل در صنایع فولاد نیز تأیید شده است که استقلال اقتصادی و روابط حمایتی، نقش برجسته‌ای در کنترل تعارض کار و خانواده دارند (Malek Mohammad, 2025). افزون بر آن، نتایج نشان داد که میانگین تاب‌آوری اقتصادی زنان بالاتر از تاب‌آوری اجتماعی است؛ این امر نشان می‌دهد که زنان در حفظ پایداری مالی خانواده موفق‌تر از بازسازی روابط عاطفی یا اجتماعی عمل کرده‌اند، که احتمالاً ناشی از فشارهای مضاعف کاری و کمبود زمان برای مشارکت خانوادگی است.

در تحلیل این یافته‌ها می‌توان از چارچوب نظری مدرنیته بازاندیشانه گیدنز بهره گرفت. گیدنز معتقد است که روابط انسانی در عصر مدرن بر پایه انتخاب، مذاکره و بازاندیشی مداوم استوار است (Giddens, 2021). بر همین مبنا، زنان فرهنگی در نقش‌های چندگانه خود به بازتعریف روابط خانوادگی پرداخته‌اند تا ضمن حفظ تعهدات سنتی، امکان تداوم حرفه‌ای و استقلال مالی را نیز فراهم کنند. پژوهش احمدی در سنجش نیز نتایجی مشابه را گزارش کرده است که زنان شاغل برای ایجاد تعادل میان نقش شغلی و خانوادگی از الگوهای انعطاف‌پذیر و ارتباطی بهره می‌گیرند (Ahmadi, 2024). این سازگاری فعال، نشانه‌ای از رشد نوعی خانواده مدرن مشارکتی است که در آن مرز میان نقش‌های جنسیتی کم‌رنگ‌تر شده و هم‌زیستی کارکردها جایگزین تقابل آن‌ها شده است.

از سوی دیگر، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که تغییرات کارکردی خانواده‌ها در شهر ملایر بیش از آن‌که نشانه فروپاشی باشد، بازتابی از پویایی اجتماعی و فرهنگی است. این تفسیر با دیدگاه اعزازی درباره خانواده ایرانی سازگار است؛ وی معتقد است که خانواده در بستر تحولات اجتماعی، ساختارهای خود را بازسازی کرده و از طریق بازاندیشی نقش‌ها، کارکردهایش را احیا می‌کند (Aazazi, 2022). بر همین اساس، در شرایطی که اقتصاد خانوار تحت فشارهای بیرونی قرار دارد، زنان شاغل فرهنگی با اتخاذ نقش‌های دوگانه توانسته‌اند تعادلی میان استقلال

فردی و تعهد جمعی ایجاد کنند. چنین سازوکاری مصداق همان فرایند «بازاندیشی نقش‌ها در خانواده مدرن» است که گورلاتیک نیز در پژوهش خود بر آن تأکید کرده است (Gorlatykh, 2025).

همچنین، یافته‌های این پژوهش با نتایج مطالعات مویا درباره تاب‌آوری اجتماعی در سطح جامعه همخوان است. مویا تاب‌آوری را نه صرفاً یک ویژگی فردی، بلکه شبکه‌ای از تعاملات اجتماعی می‌داند که از طریق سرمایه اجتماعی و اعتماد متقابل شکل می‌گیرد (Moya, 2021). در این تحقیق نیز مشخص شد که تاب‌آوری اقتصادی و اجتماعی زنان فرهنگی، از حمایت‌های بین‌فردی و احساس تعلق به شبکه‌های اجتماعی ناشی می‌شود. چنین الگویی با پژوهش لاکنگا در کنگو مشابه است، جایی که حمایت خانوادگی، پیش‌شرط اصلی بازپیوست اجتماعی و کاهش آسیب‌های رفتاری نوجوانان شناخته شد (Lokenga et al., 2023). بنابراین می‌توان گفت که تاب‌آوری زنان شاغل فرهنگی، حاصل تلاقی منابع روانی، اقتصادی و اجتماعی در بستر روابط خانوادگی و سازمانی است.

از منظر جامعه‌شناسی انتقادی، یافته‌ها بیانگر آن است که اشتغال زنان نه تنها ساختار قدرت در خانواده را متحول کرده، بلکه بر الگوی توزیع منابع و تصمیم‌گیری نیز تأثیر گذاشته است. در پژوهش مهدی‌زاده، اشتغال زنان با تغییر در قدرت تصمیم‌گیری در خانواده همراه بوده است (Mahdizadeh, 2023). نتایج پژوهش حاضر نیز تأیید می‌کند که افزایش استقلال مالی و سواد اقتصادی زنان فرهنگی، موجب ارتقای جایگاه آنان در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی شده است. این موضوع با تحلیل بوردیو از «سرمایه فرهنگی» نیز همخوان است؛ زیرا زنان تحصیل‌کرده از طریق انتقال دانش و ارزش‌های تربیتی، بر شکل‌گیری عادات اجتماعی خانواده تأثیرگذارند (Bourdieu, 2023).

به‌علاوه، نتایج حاکی از آن است که تعادل نقش‌های خانوادگی و اجتماعی در میان زنان فرهنگی به تقویت تاب‌آوری روانی و عاطفی خانواده انجامیده است. این نتیجه با پژوهش گاریدو درباره تاب‌آوری معلمان در شیلی هم‌راستا است؛ در آن مطالعه، حمایت سازمانی و رضایت شغلی به‌عنوان دو پیش‌بینی‌کننده قوی رفاه روانی معلمان شناخته شد (Garrido et al., 2025). در اینجا نیز حمایت ساختاری از زنان فرهنگی از سوی نهاد آموزش و پرورش، امکان سازگاری بیشتر میان مسئولیت‌های شغلی و خانوادگی را فراهم کرده است.

از جنبه فرهنگی، یافته‌ها نشان داد که باورهای دینی و ارزش‌های اخلاقی هنوز در حفظ انسجام خانواده نقش دارند. این موضوع با نتایج آلتینتاش در ترکیه که بر اهمیت آموزش دینی در پایداری روابط خانوادگی تأکید داشت، همخوان است (Altıntaş, 2025). در ایران نیز، ارزش‌های مذهبی به‌عنوان بخشی از هویت جمعی زنان فرهنگی، در حفظ تعامل و همدلی خانوادگی نقش دارند. در کنار آن، پژوهش بلاهواوی نیز بر نقش هنجارهای اجتماعی در تقویت رفتار اقتصادی منصفانه در خانواده‌های تجاری تأکید کرده است (Belahouaoui, 2024). بنابراین، ترکیب عوامل فرهنگی، اخلاقی و اقتصادی را می‌توان از مؤلفه‌های کلیدی بازتولید اجتماعی خانواده دانست.

در حوزه روش‌شناسی، نتایج این پژوهش اهمیت توجه به بافت فرهنگی در مطالعات خانواده را بار دیگر برجسته می‌کند. اسلامی و هوشمندی هشدار داده‌اند که تحلیل خانواده بدون در نظر گرفتن زمینه‌های فرهنگی و تاریخی، به نتایجی سطحی منتهی می‌شود (Eslami & Hooshmandi, 2024). یافته‌های این مطالعه نیز نشان می‌دهد که پویایی‌های فرهنگی خاص در ایران - از جمله نقش آموزش و ارزش‌های اخلاقی - نقشی تعیین‌کننده در چگونگی بازتولید کارکردهای خانواده دارند. افزون بر این، تحلیل کیفی مصاحبه‌ها نشان داد که مفهوم تاب‌آوری نزد زنان فرهنگی با مؤلفه‌هایی همچون «فداکاری»، «برنامه‌ریزی اقتصادی»، و «پشتیبانی عاطفی متقابل» گره خورده است؛ این یافته با تعریف پورهسان از تاب‌آوری اقتصادی-روانی همخوان است (Pourehsan & Jalaei, 2022).

از منظر کلان‌تر، این نتایج را می‌توان در چارچوب نظریه تغییر اجتماعی تحلیل کرد. روح تغییرات اجتماعی را نتیجه تعامل بین نیروهای فرهنگی و ساختاری می‌داند (Roche, 2016). یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که تغییرات فرهنگی در نگرش به نقش زنان، نیروی محرکه‌ای برای دگرگونی کارکردهای خانواده بوده است. از سوی دیگر، نتایج با دیدگاه پاپنو درباره افول خانواده‌های سنتی در جوامع مدرن هم‌راستا است (Popenoe, 2020). اما در ایران، برخلاف غرب، این افول به‌صورت فروپاشی مطلق ظاهر نشده، بلکه در قالب «بازآفرینی نقش‌ها» و «هم‌زیستی الگوهای سنتی و مدرن» تجلی یافته است.

در نهایت، نتایج پژوهش با الگوی تحلیلی ریتزر در جامعه‌شناسی مدرن مطابقت دارد که تحول خانواده را نه به‌مثابه فروپاشی بلکه به‌عنوان سازگاری پویا با ساختارهای کلان اجتماعی تفسیر می‌کند (Ritzer & Goodman, 2014). این الگو در مورد خانواده‌های فرهنگی در ایران به‌روشنی مصداق دارد: خانواده دیگر نهادی منفعل در برابر تغییر نیست، بلکه عاملی فعال در مدیریت چالش‌های اجتماعی و اقتصادی است. یکی از محدودیت‌های این پژوهش، تمرکز جغرافیایی آن بر شهر ملایر بود که ممکن است تعمیم‌پذیری نتایج به سایر مناطق ایران را محدود کند. همچنین، با توجه به استفاده از روش ترکیبی و ابزارهای خودگزارشی، امکان سوگیری پاسخ‌دهندگان در بیان واقعیت‌های شخصی وجود دارد. محدودیت دیگر، فقدان بررسی متغیرهای مقایسه‌ای مانند تفاوت‌های نسلی یا طبقاتی در تحلیل تاب‌آوری خانوادگی است. علاوه بر این، در بخش کیفی، محدودیت زمانی مصاحبه‌ها ممکن است مانع از واکاوی عمیق‌تر ابعاد فرهنگی و عاطفی تاب‌آوری شده باشد.

پژوهش‌های آتی می‌توانند با گسترش دامنه مکانی به سایر استان‌ها و با در نظر گرفتن تفاوت‌های فرهنگی، قومی و اقتصادی، مدل جامع‌تری از بازتولید کارکردهای خانواده در ایران ارائه دهند. همچنین بررسی تطبیقی بین زنان شاغل در بخش‌های آموزشی، صنعتی و خدماتی می‌تواند به شناسایی الگوهای متفاوت تاب‌آوری کمک کند. پیشنهاد می‌شود از روش‌های طولی برای بررسی پویایی نقش‌ها در طول زمان استفاده شود تا تغییرات درونی خانواده‌ها به‌صورت دقیق‌تر ردیابی شود. افزون بر این، مطالعات آینده می‌توانند تأثیر فناوری، شبکه‌های اجتماعی و تحولات دیجیتال را بر بازتولید کارکردهای خانوادگی مورد تحلیل قرار دهند.

از منظر کاربردی، نهاد آموزش و پرورش می‌تواند برنامه‌های آموزشی و مشاوره‌ای ویژه‌ای برای تقویت مهارت‌های تاب‌آوری، مدیریت استرس و زمان در میان زنان فرهنگی طراحی کند. سیاست‌گذاران اجتماعی باید با ارائه حمایت‌های مالی و تسهیلات رفاهی، زمینه کاهش تعارض میان نقش‌های شغلی و خانوادگی را فراهم آورند. همچنین، ایجاد شبکه‌های حمایتی میان معلمان زن برای تبادل تجربه در زمینه تعادل کار و زندگی، می‌تواند به پایداری اجتماعی خانواده‌ها کمک کند. در سطح فرهنگی، رسانه‌ها و نهادهای آموزشی باید با برجسته‌سازی نقش زنان شاغل در انسجام خانواده، الگوهای نوینی از خانواده ایرانی تاب‌آور را ترویج کنند.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

موازن اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازن و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

شفافیت داده‌ها

داده‌ها و مآخذ پژوهش حاضر در صورت درخواست از نویسنده مسئول و ضمن رعایت اصول کپی رایت ارسال خواهد شد.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

Extended Abstract

Introduction

The family, as the most enduring social institution, has historically functioned as the foundation for social integration, emotional support, and the intergenerational transmission of cultural norms and values (Sarukhani, 2019). It represents the primary setting in which individuals acquire social identity, internalize behavioral norms, and establish social belonging (Bernards, 2017). However, modernity, globalization, and rapid technological transformations have profoundly altered the structure and functions of the family across societies (Roche, 2016). In modern contexts, these shifts have redefined gender roles, weakened traditional hierarchies, and led to the emergence of new forms of family interaction (Popenoe, 2020).

۱۴

In Iran, as in many transitional societies, the family has undergone a gradual transformation from the extended kin-based system toward a nuclear model, influenced by economic changes, urbanization, and cultural modernization (Azad Armaki, 2007). The growing participation of women in education and employment, particularly in the public sector, has significantly reshaped the traditional balance between familial and occupational roles (Mahdizadeh, 2023). Women employed in education occupy a dual position, balancing caregiving and professional responsibilities, thereby becoming both subjects and agents of social change (Ahmadi, 2024). This process of transformation and adjustment reflects what Giddens calls the “reflexive modernization” of intimate relations, where familial bonds are redefined through negotiation, autonomy, and choice (Giddens, 2021).

The theoretical foundation of this study draws on the perspectives of functionalism and social reproduction theory. Functionalist sociology conceives of the family as a system of interdependent roles essential for maintaining social stability and value transmission (Tosli, 2011). Yet, contemporary transformations have decentralized the family’s traditional roles, distributing them across other social institutions while maintaining its symbolic centrality (Ritzer & Goodman, 2014). Bourdieu’s theory of social reproduction complements this view by emphasizing that families, through the transmission of cultural and economic capital, perpetuate social structures even as they adapt to new circumstances (Bourdieu, 2023). Thus, the family is both a space of continuity and of adaptive reinvention—a concept particularly applicable to employed women in the Iranian education system.

The transformations in gender dynamics have been widely documented across various contexts. Gorlatykh highlighted that the redefinition of gender roles has expanded women’s social and economic participation while creating new tensions between professional aspirations and familial expectations (Gorlatykh, 2025). In the Iranian context, such dualities manifest through the competing demands of work and family, which often push women toward developing adaptive and resilient strategies. These strategies reflect the broader global trend identified by Azizah and Salam, who argued that working mothers’ economic independence during crises enhances family resilience and stability (Azizah & Salam, 2021).

Resilience, in the sociological sense, denotes the capacity of individuals and groups to adapt positively to adversity through social support and emotional regulation (Olson et al., 2003). According to Moya, resilience emerges as a multidimensional process encompassing psychological, economic, and social factors that collectively sustain family well-being (Moya, 2021). In this study, socio-economic resilience is considered a reflection of how families manage financial pressures, emotional challenges, and social transformations simultaneously. The concept also resonates with Pourehsan’s operationalization of the Economic-Psychological Resilience Scale, which measures the balance between economic adaptation and psychological endurance in the Iranian context (Pourehsan & Jalaei, 2022).

Furthermore, sociological analyses emphasize that women’s employment, though empowering, transforms the internal dynamics of power and authority within families (Mahdizadeh, 2023). Studies such as those by Malek

Mohammad on work-family conflict demonstrate that women's financial independence often leads to a redistribution of decision-making authority and enhanced negotiation power in household matters (Malek Mohammad, 2025). These shifts are not merely structural but deeply cultural, reflecting what Aazazi termed the "dual movement" of tradition and modernity in the Iranian family (Aazazi, 2022). This dialectic allows families to maintain continuity in values while reconfiguring practices of authority, support, and communication.

Comparative research underscores similar phenomena in other cultural contexts. For example, Altıntaş's study among Assyrian families in Türkiye identified religious education and collective identity as mechanisms for maintaining familial cohesion amid modernization (Altıntaş, 2025). Likewise, Belahouaoui's research on family business ethics revealed that adherence to social norms and legitimacy expectations fosters economic stability and intergenerational trust (Belahouaoui, 2024). In both studies, as in the Iranian context, family resilience emerges from the interplay between cultural values, social support, and adaptive role distribution. The present study was therefore designed to explore how the social functions of the family are being reproduced among employed women in the education sector of Malayer, Iran. Specifically, it aimed to examine the relationship between the reproduction of family social functions—such as support, emotional regulation, and role balance—and socio-economic resilience. By integrating structural, cultural, and emotional dimensions, this research sought to illuminate how modern Iranian families navigate the intersection of tradition, gender equality, and economic necessity.

Methods and Materials

This study employed a mixed-method research design. In the qualitative phase, semi-structured interviews were conducted with 30 female educators from the Malayer education system. Participants were selected through purposive sampling to ensure representation of different age groups, marital statuses, and teaching experiences. The qualitative data were analyzed through thematic analysis based on Braun and Clarke's framework using *Atlas.ti* 9, allowing identification of core themes related to social reproduction, role adaptation, and resilience.

In the quantitative phase, a 53-item researcher-designed questionnaire was administered to 302 participants. The instrument measured five major components of family social function reproduction—social support, financial management, emotional stability, role balance, and participation—and their relationship with socio-economic resilience indicators. The data were analyzed using *SPSS* 28, employing descriptive statistics, correlation analysis, and multiple regression modeling to assess predictive relationships. Cronbach's alpha values exceeded 0.8 for all subscales, confirming internal reliability, while validity was established through Lawshe's CVR method and expert panel review.

Findings

Quantitative analysis revealed a significant positive relationship between the reproduction of family social functions and socio-economic resilience among employed women ($p < 0.01$). Five dimensions emerged as significant predictors of resilience: social support ($\beta = 0.43$), financial security and job satisfaction ($\beta = 0.32$), flexibility and emotional stability ($\beta = 0.25$), role balance and social participation ($\beta = 0.23$), and financial management and planning ($\beta = 0.18$). Together, these variables explained 40% of the variance in socio-economic resilience (Adjusted $R^2 = 0.40$).

Descriptive findings showed that the mean score of economic resilience ($M = 2.7$) was slightly higher than that of social resilience ($M = 2.5$), suggesting that women were more successful in maintaining financial stability than in rebuilding social cohesion or emotional connectedness within the family. Qualitative findings supported this result, indicating that participants relied heavily on dual-income stability and informal social networks to buffer the effects of economic strain.

Three overarching themes were extracted from the qualitative phase: (1) *individualization of family roles*, reflecting women's growing sense of autonomy and self-efficacy; (2) *reflexive negotiation of gender expectations*, where women and spouses continuously redefined household responsibilities; and (3) *functional outsourcing and adaptive cooperation*, referring to the delegation of domestic duties and increased use of external support systems. These processes collectively contributed to a model of "adaptive reproduction," where families sustained both emotional coherence and economic viability despite structural pressures.

Discussion and Conclusion

The results of this study reveal that the Iranian family, particularly among employed women in education, is not experiencing structural decline but rather dynamic transformation. Families are reconfiguring traditional functions through adaptive strategies that balance economic participation with emotional interdependence. This finding aligns with Giddens's notion of the "reflexive project of the self," where individuals construct and reconstruct their social roles through ongoing interaction and self-awareness.

The strong predictive role of social support and financial security highlights that socio-economic resilience is rooted in collective adaptation rather than individual endurance. Women's networks—both familial and professional—serve as buffers against financial instability and emotional strain. The co-existence of economic independence and relational interdependence marks a critical shift from hierarchical to dialogical family models, reflecting broader postmodern trends in intimacy and cooperation.

Moreover, the observed predominance of economic resilience over social resilience suggests that while material stability has improved, emotional and social cohesion remain vulnerable. This imbalance underscores the duality of modernization: increased individual agency accompanied by potential emotional fragmentation. Nonetheless, qualitative evidence indicated that women mitigate these tensions through emotional intelligence, time management, and intentional communication—mechanisms that sustain familial harmony within the pressures of dual roles.

Culturally, the findings demonstrate that values of responsibility, sacrifice, and collective duty persist as organizing principles in Iranian families. Despite the rise of individualism, religious and moral commitments continue to provide meaning and direction in women's management of work and family life. The family, thus, operates as a site of cultural negotiation—retaining its moral coherence while integrating modern gender norms and economic rationality.

From a sociological perspective, the process observed here exemplifies "creative reproduction," as conceptualized by Bourdieu. Families reproduce social order not through passive continuity but through active reconfiguration of social capital, emotional resources, and symbolic norms. The women in this study embody this transformation: as educators, they transmit cultural and moral values beyond their households, functioning as mediators between institutional and familial domains. Their resilience, therefore, is both personal and systemic—reinforcing the durability of the family as a cornerstone of social stability.

In conclusion, the study provides empirical evidence that employed women in Iran's education system are central agents in reproducing the social functions of the modern family. Through self-reflection, negotiation, and adaptive resource management, they have redefined familial roles to align with the demands of contemporary society. This model of adaptive resilience bridges traditional values and modern expectations, illustrating the evolving capacity of Iranian families to sustain social and economic equilibrium in times of change.

References

Aazazi, S. (2022). *Sociology of the Family, with Emphasis on the Structure and Function of the Family in Contemporary Times*. Roshangaran and Women's Studies Publications.

- Ahmadi, M. (2024). Study of Work-Life Balance Among Employed Married Women in Sanandaj. <https://ensani.ir/fa/article/586596/>
- Altıntaş, M. C. (2025). Family Relations and Religious Education Among Assyrians in Türkiye. *International Journal of Sociology and Social Policy*. <https://doi.org/10.1108/ijssp-10-2024-0478>
- Azad Armaki, T. (2007). *Sociology of the Iranian Family*. Samt Publications.
- Azizah, S. N., & Salam, A. N. (2021). Working mother and family economy resilience in the COVID-19 era: Evidence from Indonesia. *Jurnal Ilmiah Keluarga & Konsumen*, 14(3), 203-215. <https://doi.org/10.24156/jikk.2021.14.3.203>
- Belahouaoui, R. (2024). Analysis of Tax Compliance Behavior of Family Businesses: Combining Social and Psychology norms and Legitimacy Determinants. *International Journal of Sociology and Social Policy*, 44(7/8), 672-688. <https://doi.org/10.1108/ijssp-12-2023-0314>
- Bernards, J. (2017). *Introduction to the Study of the Family*. Nashre Ney. <https://www.taylorfrancis.com/books/edit/10.4324/9780203132081/family-studies-jon-bernardes>
- Bourdieu, P. (2023). *Theory of Social Reproduction, Education, Society, and Culture*. Andisheh Ehsan Publications. <https://scispace.com/pdf/bourdieu-on-education-and-social-and-cultural-reproduction-3njwxauvn2.pdf>
- D'Emidio-Caston, M. (2019). Addressing social, emotional development, and resilience at the heart of teacher education. *Teacher Education Quarterly*, 46(4), 116-149. <https://files.eric.ed.gov/fulltext/EJ1231310.pdf>
- Eslami, F., & Hooshmandi, R. (2024). Challenges and Opportunities in Cross-Cultural Family Research: A Critical Reflection. *Journal of Psychosociological Research in Family and Culture*, 2(1), 1-3. <https://doi.org/10.61838/kman.jprfc.2.1.1>
- Garrido, S., Cisternas-Salcedo, P., & Polanco-Levicán, K. (2025). Understanding teacher resilience: Keys to well-being and performance in Chilean elementary education. *Behavioral Sciences*, 15(3), 292. <https://doi.org/10.3390/bs15030292>
- Giddens, A. (2021). *Transformation of Love and Intimacy*. Parseh Publications. <https://www.annualreviews.org/content/journals/10.1146/annurev.es.04.110173.000245>
- Gorlatykh, A. Y. (2025). Gender Roles in the Family: Changing Expectations and Responsibilities. *Proceedings of the Southwest State University Series Economics Sociology and Management*, 15(1), 247-259. <https://doi.org/10.21869/2223-1552-2025-15-1-247-259>
- Jenadaleh, A. (2017). Changes in the Conventional Family Pattern in Iran (Secondary Analysis of National Data). *Family Research Quarterly*, 10(39), 277-296. https://journals.sbu.ac.ir/article_96503_dd1e813cdb00cead45445c779aaa9746.pdf
- Lokenga, J. N., Norvy, P., & Asatsa, S. (2023). Family Support and Social Reintegration of Adolescent Offenders in Kinshasa, the Democratic Republic of Congo. *Journal of Advanced Sociology*, 4(1), 34-57. <https://doi.org/10.47941/jas.1370>
- Mahdizadeh, S. (2023). Sociological Examination of Power Structure in the Family (with Emphasis on Women's Employment). *First International Conference on Sociology, Social Sciences, and Education with a Future-Oriented Approach*. <https://jisem-journal.com/index.php/journal/article/download/10708/4930/20037>
- Malek Mohammad, F. (2025). *Qualitative Study on Managing Work-Family Conflict: A Case Study of Employed Single and Married Women at Mobarakeh Steel University of Isfahan*.
- Moya, J. (2021). An approach to unified conceptualization, definition & characterization of social resilience. *International journal of environmental research and public health*, 18(11), 5746. <https://doi.org/10.3390/ijerph18115746>
- Olson, M. M., Lanning, W., & Haas, G. L. (2003). The resiliency model of family stress, adjustment, and adaptation: An update and future directions. In *Social stress and the family: Advances and developments in family stress theory and research* (pp. 1-20). Haworth Press.
- Popenoe, D. (2020). *Disturbing the nest: Family change and decline in modern societies*. Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781003058786>
- Pourehsan, S., & Jalaei, T. (2022). The development and evaluation of psychometric properties of the Economic-Psychological Resilience Scale (EPRS). *Research in cognitive and behavioral sciences*, 12(1), 111-128. <https://doi.org/10.22108/cbs.2022.133824.1653>
- Ritzer, G., & Goodman, D. J. (2014). *Theory of Modern Sociology*. Sociologists Publications. [http://philosociology.com/UPLOADS/_PHILOSOCIOLOGY.ir_George%20Ritzer-Sociological%20Theory%20\(8th%20Edition\)-McGraw-Hill%20\(2010\).pdf](http://philosociology.com/UPLOADS/_PHILOSOCIOLOGY.ir_George%20Ritzer-Sociological%20Theory%20(8th%20Edition)-McGraw-Hill%20(2010).pdf)
- Roche, G. (2016). *Social Changes*. Nashre Ney. <https://www.macrothink.org/journal/index.php/ijch/article/view/8639>
- Sarukhani, B. (2019). *Introduction to the Sociology of the Family*. Soroush Publications.
- Shaw, A., Joseph, S., & Linley, P. A. (2005). Religion, spirituality, and posttraumatic growth: A systematic review. *Mental Health, Religion & Culture*, 8(1), 1-23. <https://doi.org/10.1080/1367467041000024690>

- Torres, C., Vallejo-Huanga, D., & Ramírez Ocaña, X. (2021). Quantitative evaluation of family functions and changes in a postmodern context. *Heliyon*. <https://doi.org/10.1016/j.heliyon.2021.e07435>
- Tosli, G. A. (2011). *Sociological Theories*. Samt Publications.